



تفکر اصیل تلاش برای دستیابی به حقیقت را مستمر می‌داند

استاد علوم سیاسی و فلسفه دانشگاه دوک آمریکا با اشاره به اینکه انسان به تنهایی توان شناختن خود و دنیای پیرامون خود را ندارد، گفت: این نوع تفکر با نوعی فروتنی تلاش برای رسیدن به حقیقت و خیر را تلاشی وقفه ناپذیر و مستمر می‌داند.

استاد علوم سیاسی و فلسفه دانشگاه دوک آمریکا با اشاره به اینکه انسان به تنهایی توان شناختن خود و دنیای پیرامون خود را ندارد، گفت: این نوع تفکر با نوعی فروتنی تلاش برای رسیدن به حقیقت و خیر را تلاشی وقفه ناپذیر و مستمر می‌داند. دکتر مایکل آلن گلسپی استاد فلسفه و علوم سیاسی دانشگاه دوک آمریکا در مورد تعریف تفکر اصیل و شاخصهای آن به خبرنگار مهر گفت: ایده تفکر اصیل اغلب با آگزیستانسیالیسم همراه است اما این اواخر مورد توجه جدی‌تری قرار گرفته است.

وی افزود: این ایده در ابتدا در آرای "فرانچسکو پتراک" نمایان و ظاهر شد. او استدلال می‌کند که برای "خود" بودن ضروری است که از مردم و جمعیت جدا شد و در انزوا زندگی کرد چرا که زندگی در میان مردم و جمعیت علاوه بر اینکه باعث می‌شود مانند آنها فکر کنیم باعث رفتارهایی مشابه آنچه آنها انجام می‌دهند می‌شود.

مؤلف "بنیان تاریخ" تأکید کرد: تفکر اصیل به این معنا تفکری است که ریشه در تجربه‌های عمیق ما از خودمان دارد. اینکه این تفکر از چه اجزایی تشکیل شده است خیلی واضح و روشن نیست. این نوع تفکر فقط مشتمل بر خود آگاهی نیست بلکه نوعی بازسازی شاعرانه و خیالی از "خود" است. این اراده معطوف به خود، تنها از طریق انعکاسها و بازتابها اقتناع نمی‌شود.

"روسو" خود اظهاری را امری ضروری برای شادی انسان می‌داند

وی یادآور شد: این نکته در آثار مایکل دی مانتین با عنوان "کتابی درباره خود" صورت بندی شده است. همچنین در آثار ژان ژاک روسو نیز این موضوع منعکس شده است. او تفکر خالص و ناب و بیان و اظهار "خود" (خود اظهاری) را برای شادی انسان امری ضروری می‌داند.

برنده جایزه "لئو اشتراس" انجمن فلسفه آمریکا در ادامه تصریح کرد: از نقطه نظر الهیات، بیان و اظهار خود نوعی تکبر و غرور است و به نوعی مقابل خداوند ایستادن ممکن است معنا شود. برای مثال شیطان و آدم و تمامی کسانی که از درگاه او رانده شدند و هبوط و سقوط کردند مصداق این تکبر و خودبینی بوده‌اند.

وی تصریح کرد: تفکر اصیل به نظر می‌رسد که یکی از دو شکل خودآزمایی و "اظهار خود" و یا اطاعت از خداوند را به خود بگیرد. ایده اول ممکن است به تکبر و غرور منجر شود و ایده دوم نیز در یک برداشت نادرست می‌تواند منجر به این شود که شخص جایگاه خدایی دارد و یا عامل خداوند در زمین است.

استاد فلسفه دانشگاه دوک یادآور شد: نوسان میان این دو مفهوم و ایده، مشخصه و ویژگی تاریخ تفکر غرب پس از قرن پانزدهم میلادی بوده است.

تلاش برای دستیابی به حقیقت تلاشی مستمر است

گلسپی با اشاره به اینکه تفکر اصیل تنها دربردارنده خود اظهاری یا اطاعت نیست گفت: تفکر اصیل به معنای نوعی پرسشگری است که هیچ ایده و عقیده‌ای را آزمون و واری نکرده باقی نمی‌گذارد. این تفکر همچنین میان اندیشه و عمل وقفه می‌اندازد.

وی گفت: این نوع تفکر با نوعی فروتنی تلاش برای رسیدن به حقیقت و خیر را تلاشی وقفه ناپذیر و مستمر می‌داند و معتقد است که ما هرگز نمی‌توانیم خود و جهان پیرامون و وظایف خود در آن را به صراحت مورد شناسایی قرار دهیم.

مؤلف "نیپلیسم بعد از نیچه" یادآور شد: تحت چنین شرایطی است که تفکر اصیل همواره باید نیاز به تعادل و موازنه میان زندگی سیاسی و اخلاق را مورد تأکید قرار دهد.